



## قدرت‌نمایی ایران در جبهه جدید قدرت جهانی

اولین نشست رسمی سران بریکس بعد از پیوستن ایران و دیگر اعضای جدید به این اتحاد، نوید شکل‌گیری جبهه جدیدی را در سیاست بین‌الملل می‌دهد، جبهه‌ای که توانایی‌های اقتصادی، سیاسی و تاثیرگذاری‌های چالش‌زایی را برای سیادت غرب بر جهان فراهم می‌سازد.

به گزارش آران نیوز به نقل از ایرنا، سران و مقامات بلندیایه ۱۰ کشور عضو گروه بریکس و ۲۸ کشور علاقمند به همکاری با این گروه، از روز سه‌شنبه در کازان مرکز جمهوری تاتارستان روسیه، مذاکرات داغ و فشرده‌ای درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی، سیاسی، امنیتی و تحولات بین‌المللی را کلید زدند.

نشست سران بریکس در روسیه در روزهای ابتدایی آبان ماه، اولین نشستی بود که با حضور اعضای جدید این اتحاد برگزار گشت.

بریکس در دوران کنونی با پیشی گرفتن از گروه جی ۷ که اساس اتحاد غرب در حوزه اقتصادی، تجاری و سیاسی را در کنار ناتو تشکیل می‌دهد، نوید دوران جدیدی را داد که در آن سلطه سازوکارهای غربی و رژیم‌های حقوقی، اقتصادی، تجاری و مالی تحت تسلط غرب به چالش کشیده خواهد شد.

اولین حضور پزشک‌پزیران در بریکس که در ادامه نگاه به فرصت‌های طلایی در جهان غیرغربی قابل تحلیل است، به خصوص در زمانی که منطقه غرب آسیا در ملتهب‌ترین حالت خود قرار گرفته، فرصت ویژه‌ای را برای اجماعی جهانی بر علیه جنایات اسرائیل و حمایت غرب فراهم کرد.

رهبران کشورهای عضو گروه «بریکس» چهارشنبه در بیانیه‌ی نهایی اجلاس سران این اتحاد، با محکوم کردن حمله رژیم اسرائیل به کنسولگری سفارت ایران در سوریه، بر لزوم برقراری «آتش بس فوری، جامع و دائمی» در غزه تأکید کردند.

رهبران بریکس با ابراز «نگرانی شدید خود نسبت به وخامت اوضاع و بحران انسانی در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی، به ویژه تشدید بی‌سابقه خشونت در نوار غزه و کرانه باختری» در پی جنایات رژیم صهیونیستی، خواستار برقراری «یک آتش بس فوری، جامع و دائمی در نوار غزه، آزادی فوری و بدون قید و شرط همه اسرا و بازداشت‌شدگان از هر دو طرف» شدند.

کشورهای عضو بریکس «حمایت خود از عضویت کامل دولت فلسطین در سازمان ملل متحد در چارچوب تعهد تزلزل‌ناپذیر به راه حل دو دولتی بر اساس قوانین بین‌المللی» را اعلام کردند.

رئیس‌جمهور در جریان این سفر به روسیه که اولین سفر وی به مسکو بعد از حضور در پاستور بوده است ضمن سخنرانی در اجلاس سران بریکس با روسای جمهور روسیه، چین، آفریقای جنوبی، مصر، ونزوئلا، بلاروس، بولیوی، نخست‌وزیران هند، ایتوپیی و ارمنستان و رئیس‌امارات به صورت دو جانبه دیدار و درباره مسائل مورد علاقه طرفین گفت و گو کرد.

سیادت یانکی‌ها رو به پایان است

با وجود این تحرکات مهم ایران در کنار مانور دیپلماتیک هفته‌های اخیر عراقچی در منطقه، یک بار دیگر باید این مساله را مرور کرد که چرا گروه‌هایی همچون بریکس اهمیت بالایی دارند؟

باید توجه داشت که ایالات متحده در اکثر شاخص‌های قدرت اقتصادی نسبت به چند دهه پیش نزول داشته و کشورهای جدیدی توانسته‌اند با رشد اقتصادی خیره‌کننده در چند دهه گذشته به سطوح بالای تولید ناخالص داخلی برسند.

چین مهم‌ترین دولت است که بر حسب محاسبه اسمی تولید ناخالص داخلی دومین قدرت اقتصادی و بر حسب محاسبه بر اساس «برابری قدرت خرید» اولین قدرت اقتصادی جهان است. کشورهای دیگری همچون هند، اندونزی، برزیل و حتی روسیه نیز پس از رشدهای منفی دهه ۱۹۹۰ میلادی در دهه اول و دوم قرن بیستم توانستند اقتصاد خود را بازسازی و رشد اقتصادی نسبتاً خوبی را تجربه کنند. حتی نهادهای بین‌المللی مالی که روزگاری به رهبری آمریکا ایجاد شده بودند هم قدرت سابق را ندارند.

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای چند دهه مهمترین نهادهای اقتصادی بین المللی بودند که کاملاً تحت نفوذ آمریکا قرار داشتند و مدل اقتصادی مطلوب این کشور را در جهان ترویج میکردند اما پس از ناکامی هایی که توصیه های آنان در پیشرفت اقتصادی کشورهای جهان سومی داشت انتقادات از آنان افزایش یافت و این نهادها هم فهمیدند دستورالعمل های سنتی آنان کافی نیست و باید به ابعاد دیگر توسعه هم توجه کنند.

بریکس و هژمونی غرب

نظم جهانی پس از جنگ جهانی دوم بر دو پایه کشورهای حوزه یوروآتلانتیک (اروپای غربی و آمریکای شمالی) و بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته بود. در این نظم دو قطبی هر بازیگر دیگری در جهان به نزدیکی به یکی از این دو محور قدرت وادار می شد و تلاش هایی همچون اتحاد غیرمتعددها نیز عملاً در نظم جنگ سردی راه به جایی نبرد.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا به عنوان تک قطب جهان و با عناوینی همچون نظم نوین جهانی و نظم بین المللی لیبرال، خود را یگانه رهبر و تنظیم گر جهان معرفی کرده و هژمونی غرب بیش از پیش تثبیت شد. گرچه در دهه ابتدایی پس از فروپاشی شوروی، آمریکا به همراه متحدین خود در اروپای غربی یگانه قدرت جهان به شمار آمده و طی آن دوران جنگ ها و درگیری های بسیاری از سوی ارتش آمریکا و ناتو به منظور تثبیت این نظم صورت پذیرفت ولی از دهه ۲۰۰۰ میلادی به تدریج کاستی های نظم و هژمونی غرب آشکار و قدرت های نوظهور جدیدی در سیاست و بالاخص اقتصاد جهانی سربرآوردند.

قدرت های نوظهور و بازسازمان یافته ای همچون چین، روسیه، برزیل و هند در اجلاس مجمع بین المللی اقتصادی سن پترزبورگ در سال ۲۰۰۶ تصمیم به تشکیل سازمان و اتحادی گرفته که در سال ۲۰۰۹ آغاز به کار کرده و با پیوستن آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰ میلادی با نام BRICS شناخته شد.

این اتحاد گرچه در ابتدای مسیر فعالیت خود نقشی بسیار کوچکتر از اتحادها و سازوکارهای اقتصادی و تجاری غرب مانند گروه ۷ را ایفا می کرد ولی در طی ۱۵ سال گذشته سهم این کشورها در اقتصاد جهانی به تدریج رشد پیدا کرده و با ورود اعضای جدید همچون جمهوری اسلامی ایران، مصر، ایتالیایی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، بریکس در برابری قدرت خرید از گروه هفت پیشی گرفته است و ۳۵.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص داده در حالی که این رقم برای گروه هفت در حدود ۳۰.۳ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی است.

پس از پایان نظم دو قطبی جنگ سردی، طی بیش از ۳ دهه حاکمیت نظم غربی بر دنیا، این نظم بر دو پایه تسلط غرب بر اقتصاد و به خصوص مالیه جهانی و همچنین نظامی گری و قدرت نظامی آمریکا و ناتو استوار بوده است.

نقطه کلیدی در تقابل بریکس با غرب، نقطه نظر مشترک اعضا بر ناکارآمدی سازوکارهای مالی، اقتصادی و همچنین یکجانبه گرایی غربی ها در نظم بین الملل جهانی است.

این ناکارآمدی در طی بیش از ۳ دهه تسلط غرب بر سیاست و اقتصاد جهان منجر به مشکلات عدیده اقتصادی برای کشورهای کمتر توسعه یافته، جنگ های بی شمار آمریکا و دیگر متحدانش به منظور تسلط بر منابع انرژی و روندهای تجارت جهان و همچنین استفاده بی پایان غربی ها از سازوکارهای ظالمانه ای همچون تحریم در برابر کشورهای همچون ایران و روسیه شده است.

بریکس با سهم بیشتر از گروه ۷ در اقتصاد جهانی و مهم تر از آن فرصت های بی شماری که برای توسعه روابط و همکاری ها در میان اعضای آن وجود دارد و میل و اشتیاق بسیاری از کشورهای جهان برای گسستن از نظم غربی و پیوستن به این اتحاد میتواند جهان و روند های جهانی سیاست و اقتصاد را به سمت عادلانه تر شدن پیش برد.

در افق دید کشورهای عضو بریکس این اتحاد قصد نابودی دشمنان خود را ندارد. این دیدگاه دقیقاً برخلاف عملکرد غربی ها در نظم نوین جهانی اعلامی آنان در سال های پس از پایان جنگ سرد است.

بریکس علاوه بر روابط و همکاری های اقتصادی بدون شک فرصت و ظرفیت بسیار خوبی برای همکاری های امنیتی و شراکت های نظامی میان اعضای خود را دارد.

استفاده از این ظرفیت میتواند ستون و پایه دوم تسلط و یکجانبه گرایی غربی بر جهان که بر

نظامی گری و قدرت نظامی آمریکا و ناتو استوار است را به چالش کشیده و نظم ناکارآمد غربی را  
بیش از هر زمان دیگری به سمت افول کشاند.  
بی شک، دنیای جدی با اتحاد قدرت های نوظهور و کنش بیشتر قدرت های منطقه ای، نظم عادلانه  
تری را شکل خواهد داد.